

طرح بازسازی صنایع بر پایه اصول شناخته شده اقتصادی موفقیت آمیز است

اشاره:

پاسخگویی به تنگناها و مشکلات اقتصادی - اجتماعی ایران، نیازمند اتخاذ راهبردی نوین در سطح اقتصاد کلان است. راهبردی که توسعه صنعتی و جیش صادراتی را هدف قرار داده و تمامی زمینه‌های لازم را برای تحقق آن فراهم سازد.

در حال حاضر بیکاری، مهمترین دغدغه اقتصادی دولت است، اما رفع این معضل از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، نیازمند تجدید حیات اقتصادی به ویژه توسعه و نوسازی بخش صنعت است، اما صنعتی رقابت‌پذیر و صادرات‌گرا.

روند توسعه صنعتی ایران در سال‌های اخیر به لحاظ عقب‌ماندگی از فناوری روز، کمبود سرمایه‌گذاری، ناکارایی عوامل تولید (نیروی انسانی، سرمایه و دیگر منابع) با خطرات جدی روبه‌رو شده و حتی صنایعی که از سال‌ها قبل راه‌اندازی شده‌اند، قابلیت رقابت و ادامه حیات ندارند. با این وصف نوسازی صنایع امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر احمد قاسمی، مدیرکل صادرات وزارت صنایع و معادن، مباحث مختلف از جمله ضرورت و چگونگی نوسازی صنایع، لایحه نوسازی بخش صنعت و پیامدهای احتمالی آن را به بحث گذارد.

ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

■ تفکر بازسازی و نوسازی صنایع

ایران از چه زمانی نضج گرفت؟

□ این تفکر زمانی پدید آمد که مشکلات مبتلابه صنایع نساجی بروز کرد و مسؤولان کشور نسبت به آن حساسیت نشان دادند.

با بروز مشکلات صنعت نساجی، مسؤولان در پی یافتن چاره‌ای برای این مشکل برآمدند و از وزارت صنایع و معادن خواستند طرح خود را برای بازسازی این صنعت درپا و گسترده کشور ارایه دهند.

با این تصمیم وزارت صنایع و معادن مأمور شد در یک برنامه‌ریزی بلندمدت

در پی بازسازی بخش عمده‌ای از صنعت کشور باشد.

این طرح هنگامی که به هیأت دولت رفت، در آنجا تصمیم بر آن شد که بازسازی و نوسازی فقط به بخش نساجی محدود نشود و بازسازی دیگر صنایع را نیز دربرگیرد.

البته اندکی قبل از آن، قانون تمرکز امور صنعت و معدن تصویب شد و در پی آن وزارت صنایع و معادن تشکیل شد. اولین بند ماده یک این قانون تدوین راهبرد توسعه صنعتی و معدنی کشور است، البته بقیه بندهای این ماده نشان می‌دهد که مجلس شورای اسلامی و

دولت در پی حل ریشه‌ای موضوع و خارج شدن از درمان‌های لحظه‌ای و آبی هستند.

■ بازسازی صنایع در چه قالبی باید صورت پذیرد؟ آیا بازسازی صنایع باید به موازات بازسازی تجارت انجام گیرد؟

□ به طور کلی برنامه نوسازی، بازسازی و توسعه نمی‌تواند یک‌روزه تدوین شود و نمی‌تواند با اجرای یک برنامه و تحقق آن به پایان برسد. بازسازی و نوسازی صنایع یک روند مستمر را اقتضا می‌کند که طی آن سیاست‌های راهبردی باید در قالب

اقتصاد کلان برای یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور که بخش صنعت است، تدوین شود.

به هر حال کشور از فقدان یک راهبرد در قالب اقتصاد کلان آسیب می‌بیند. اگر به سیاست‌های کلان کشور دقت شود، درمی‌یابیم ایران در چهار سال اخیر از نظر ارزی در وضعیتی برخلاف گذشته قرار داشته است. در گذشته همواره کمبود منابع ارزی بزرگترین محدودیت سرمایه‌گذاری به نظر می‌رسید، اما در چهار سال گذشته این محدودیت به لحاظ منابعی که در نظام بانکی کشور ذخیره شده است، وجود ندارد. البته امروز شاهد فقدان به‌کارگیری به‌موقع این منابع و امکانات هستیم.

ایسبندی کار صرف نظر از تشریفات اداری موجود، نتوانسته است منابع و امکانات را به موقع در اختیار سرمایه‌گذار و از جمله سرمایه‌گذار صنعتی قرار دهد. تصور می‌کنم اقتصاد ایران فاقد یک راهبرد مشخص، روشن و توافق شده بین دستگاه‌های اجرایی است. البته وجود سلايق مختلف تا حدودی طبیعی است. سلايق مختلف می‌تواند یک راهبرد را به اشکال تا حدودی متفاوت از یکدیگر ببیند، اما به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها خیلی عمیق‌تر است و این امر مقوله بازسازی را متأثر کرده است.

امروزه این ذهنیت وجود دارد که چه چیزی باید بازسازی شود؟ در ایران امروز چند نوع صنعت وجود دارد:

الف صنایعی که به طور موروثی از دوران پیش از انقلاب اسلامی به ارث رسیده است.

ب صنایعی که به خاطر شرایط ویژه دوران جنگ و با تفکر جایگزینی واردات ایجاد شده است که برخی به

طور مطلوب به فعالیت ادامه می‌دهد و برخی دیگر در نقطه سر به سر و یا با زیان اندک مشغول فعالیت هستند و بعضی نیز بازده مورد قبول را ندارند.

امروز بازده صنایع کشور بسیار نازل است. بسیاری از آنها از تحولات گسترده‌ای که در سطح جهان اتفاق افتاده است، به شدت دور هستند. صنایع کشور با اقتصاد جهانی و صنعت دنیا هماهنگی و پیوندی ندارند و مشکل می‌توان گفت در مقابل تحولات جاری جهانی توانسته‌ایم واکنش مناسب و شایسته‌ای داشته باشیم.

گفتنی است نظام تجاری ایران از بخش صنعتی به طور چشمگیری عقب افتاده‌تر است و با یک حالت رشدناپذیری روبه‌رو است. بنابراین بازسازی صنعت کشور نمی‌تواند جدا از بازسازی بخش تجاری باشد و بازسازی بخش تجاری نیز نمی‌تواند خارج از یک الگوی توافق شده به حرکت خود ادامه دهد، زیرا که به راحتی مورد سؤال قرار می‌گیرد.

■ طرح بازسازی با توجه به وضعیت کنونی صنایع کشور چه زمانی موفق خواهد شد؟

□ اقتصاد یک علم است. در این علم قوانین مختلفی چون عرضه و تقاضا، قیمت، رقابت و... حاکم است. این قوانین به راحتی برخی صنایع را از صحنه اقتصادی کنار می‌گذارد و برخی رشته‌ها را به توسعه دعوت می‌کند و برای آنها فرصت به‌وجود می‌آورد.

در این صورت طرحی برای بازسازی موفق است که بر پایه اصول شناخته شده اقتصادی پایه‌گذاری شود. بنابراین صنایعی که از گذشته به ارث رسیده، به طور الزامی نمی‌تواند یک

صنعت رقابتی باشد، اما در صنایعی که بنا به وجود عوامل و منابع مختلف، در آنها زمینه‌های موفق کشف دیده می‌شود، دارای مزیت‌های رقابتی هستند و می‌توان زمینه‌های رشد آنها را فراهم آورد. بنابراین در طرح بازسازی ابتدا باید مزیت‌ها را شناخت، در ضمن این طرح هنگامی می‌تواند معنی‌دار باشد که همراه با یک نگاه جهانی به اقتصاد کشور باشد. شواهد نشان می‌دهد، سیاست‌های حمایتی دیر یا زود کمرنگ خواهد شد. در سه تا چهار سال گذشته نیز به نحو محسوسی کمرنگ شده است و در آینده نزدیک اقتصاد و صنعت کشور باید بر پایه رقابت، با همسایگان و دیگر کشورهای جهان بنا شود.

بازسازی بر اساس این گونه تفکر می‌تواند موفق باشد. در این راه صنایع کشور تحولات شگرفی را باید تجربه کند. به طور اصولی در زمینه‌هایی که صنعت کشور دارای مزیت‌های آشکار است، لازم است ظرفیت‌ها چند ده برابر شود و جایی که ملاحظه می‌شود مزیت وجود دارد، جلب سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت زیادی پیدا می‌کند، زیرا همراه با جلب سرمایه‌گذاری خارجی، تفکر تولید برای بازارهای وسیع‌تر ایجاد و تضمین می‌شود.

در واقع بازسازی صنایع کشور از سال‌ها قبل آغاز شده است و سیاست‌های برنامه سوم توسعه تا حدودی کشور را ملزم به این امر کرده است. در قانون تمرکز امور صنعت و معدن نیز این موارد به نحو روشن‌تری بیان شده و وزارت صنایع و معادن با تدوین راهبرد توسعه صنعتی و معدنی، درصدد اجرای آن است.

برای بازسازی صنایع کشور باید فضا و شرایط رقابت‌آمیز همراه با یک

اقتصاد باز فراهم باشد و در این شرایط، روش‌ها و سیاست‌ها تدوین شود. در غیر این صورت ممکن است بازسازی منجر به بازسازی صنایعی شود که هم‌اکنون خارج از رده هستند، و حتی ممکن است غیررقابستی بودن آنها آشکار شده باشد. این امر چیزی کمتر از اتلاف منابع نیست و موردنظر قانون‌گذار و دولت نخواهد بود.

در فرآیند بازسازی، باید منابع انسانی نیز بازسازی شود، دانش در خدمت صنایع قرار گیرد، در تولید روح علمی دمیده شود، حرکت در راستای ارتقای کیفیت و کاهش قیمت باشد و ملاک این سنجش، رضایت مشتری است. البته منظور از مشتری، فقط مصرف‌کنندگان داخلی نیست، بلکه مصرف‌کنندگان در منطقه و در کل جهان باید موردنظر باشد. اگر حرکتی غیر از این باشد، راه به جایی نخواهد برد.

■ به نظر شما هزینه نوسازی صنایعی که بخش عمده تولیدات آنها صادراتی باشد، چه میزان است؟

!! برآوردها متفاوت است. به طور کلی برآورد ریالی و ارزی از هزینه‌های بازسازی، یک نگاه حسابدارانه است و نمی‌توان چنین نگاهی را داشت.

برای مثال، در کنار ایران، افغانستان قرار دارد که درآمد ارزی آن یک‌صدم ایران نیست. اما آنها در بازسازی صنایع خود مصر هستند و در مقایسه با ایران از نقطه زیر صفر آغاز می‌کنند.

ایران یک پستوانه یک‌صده‌ساله صنعتی دارد. دستاوردهای صنعتی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه تأمین بسیاری از نیازهای کشور نقش عظیمی دارد. اما دولت افغانستان هیچ‌گاه خود را تأمین‌کننده نیازهای بازسازی نمی‌داند.

زیرا مسؤول بازسازی صنایع را بخش خصوصی می‌داند و این بخش در مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی و منابع خود اقدام به بازسازی می‌کند.

تصور می‌کنم بازسازی، نوسازی و ایجاد صنعت ابتدا باید مقرون به صرفه باشد و سپس توسط بخش خصوصی و سرمایه‌گذار خارجی انجام گیرد. کسانی که در بخش صنعت سرمایه‌گذاری می‌کنند، باید از ابتدا بدانند که اگر بر پایه منطق، عقل و رقابت سرمایه‌گذاری نکنند، سرمایه آنها بر باد می‌رود.

■ برای آنکه در بخش خصوصی انگیزه بازسازی صنایع به وجود آید، دولت چه باید بکند؟

□ این موضوع در برنامه سوم توسعه به خوبی دیده شده است. تا زمانی که دولت به هر زبان و با هر تفکری راضی نباشد دست از اقتصاد کشور و اداره واحدهای تولیدی کوچک بردارد، بخش خصوصی باور نخواهد کرد که می‌تواند نقش مؤثری در اقتصاد کشور ایفا کند و در نتیجه انگیزه‌ای برای ایفای نقش نخواهد داشت. به همین دلیل است که خصوصی‌سازی برای بخش خصوصی یکی از ملاک‌ها و شاخص‌ها محسوب می‌شود.

متأسفانه طیف گسترده‌ای از صنایع و اقتصاد کشور در اختیار دولت است و بخش خصوصی خود را در مقابل یک غول قدرتمند، بسیار کوچک و شکننده می‌بیند و به همین دلیل جرأت وارد شدن در این وادی را ندارد.

نکته ظریف این‌که، هنگامی که بخش خصوصی طرف حساب یک نظام بانکی باشد که تمامی شعب آن (صرفنظر از تابلوها) با یک ضابطه در حال فعالیت است، احساس می‌کند که اگر به هر

بانکی مراجعه کند، می‌تواند فرصت و موقعیت قابل استفاده‌ای را به دست آورد. اگر مؤسسات مالی اعتباری و بانک‌های خصوصی تأسیس شوند و هر کدام در یک رشته (بازارهای کالا، سرمایه، مسکن، کوتاه‌مدت، بلندمدت و...) به فعالیت بپردازند، متقاضیان به فراخور نیاز به آنها مراجعه و مشکل خود را حل می‌کنند.

اگر دولت بخواهد بخش خصوصی را در زمینه مشارکت در بازسازی جذب کند، باید پروسه خصوصی‌سازی را حداکثر تا پنج سال آینده به پایان برساند. فعالیت‌های اقتصادی صرف‌نظر از آنچه در قانون اساسی ذکر شده است که برخی از بخش‌های تولیدی را متعلق به دولت می‌داند، باید در دست بخش خصوصی قرار گیرد. در کشورهای همسایه مانند ترکیه یا عربستان دولت کوچک است و فعالیت اقتصادی و تولیدی نمی‌کند، اما در ایران وقتی دیده می‌شود ۸۰ درصد سهم حمل و نقل هوایی کشور متعلق به یک شرکت دولتی است و بقیه نیز ممکن است در عذاب رقابت با آن شرکت قرار گیرند. بنابراین کسی جرأت نمی‌کند شرکت هواپیمایی تأسیس کند. این مثال در زمینه مخابرات نیز صادق است.

بنابراین مهمترین انگیزه مشارکت بخش خصوصی در بازسازی، خصوصی‌سازی در معنی عمیق آن است و این خصوصی‌سازی باید هر چه زودتر انجام گیرد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود، نظام بانکی با نرخ بهره بسیار بالا است که این نرخ با هیچ یک از نظام‌های مالی در سطح جهان مطابقت ندارد. چنین نرخی سرمایه‌گذار داخلی را شایق

به سرمایه‌گذاری نمی‌کند و سرمایه‌گذاری خارجی را نیز جذب نمی‌کند.

نرخ سود اعتباری که صندوق ذخیره ارزی به سرمایه‌گذاران می‌دهد، به طور قانونی دو درصد بالای نرخ «لیبور» (نرخ بهره بین بانکی در لندن) است، اما با وثایق مختلف و کسب و قوس‌های مختلف حدود ۳ درصد به آن اضافه می‌شود. این نرخ برای سرمایه‌گذار صرفه اقتصادی ندارد، زیرا دیده می‌شود برخی سرمایه‌گذاران ایرانی با تضمین یک ایرانی مقیم خارج می‌توانند با نرخ نازل تری از بانک‌های خارجی اعتبار در سافت کنند. بنابراین از نگاه سرمایه‌گذار بخش خصوصی چنین استنباط نمی‌شود که دولت بخواهد منابع چند میلیارد دلاری صندوق ذخیره ارزی را به منظور سرمایه‌گذاری خرج کند.

با این حال گفتنی است کسانی هستند که حداقل شش ماه و حداکثر ۱/۵ سال در حال دوندگی هستند تا شاید بتوانند اعتباری را با حدود ۵ درصد بالاتر از نرخ بهره لیبور از صندوق ذخیره ارزی که در عمل به بانک‌ها واگذار شده است، دریافت کنند.

از بین رفتن زمان و اتلاف منابع انسانی، انرژی کارآفرین را از بین می‌برد. بسیاری از پروژه‌ها به هنگام طرح، قابل توجیه هستند، اما زمانی که اجرا می‌شوند و اجرای آنها در اثر مواردی که گفته شد، به طول می‌انجامد، صرفه اقتصادی خود را از دست می‌دهند. برای آنکه تولید کشور رقابتی شود، باید اتلاف زمان صفر شود تا انگیزه سرمایه‌گذاری پدید آید.

■ تأثیر مستقیم نوسازی صنایع در صادرات بخش صنعت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ اگر نوسازی در خدمت صادرات نباشد، هر قدر که جایگزین واردات باشد، نمی‌تواند یک هدف امروزی باشد. امروز تفکر جهانی بر این اصل استوار است که باید صادرات توسعه یابد، زیرا نمی‌توان جلوی واردات را گرفت.

با این وصف، باید روی زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری شود که بتواند صادر شود. در نتیجه سرمایه‌گذاری‌ها باید بر پایه رقابت با کشورهای همسایه باشد و کالا ارزان‌تر از رقبا تولید شود. به نظر من، میان یک نوسازی موفق و صادرات رابطه مستقیم وجود دارد.

■ در اثر نوسازی، رقابت‌پذیری صنایع تا چه حد محقق خواهد شد؟

□ اگر نوسازی بر پایه تقویت توان رقابتی باشد و به کاهش قیمت تمام شده و ارتقای کیفیت یک کالا منجر گردد، توان رقابتی کشور بالا می‌رود.

امروز باید شمار محدودی از کالاها که در آنها مزیت مشاهده می‌شود، در مقیاس انبوه تولید شود و نه طیف وسیعی از کالاها در اندازه کم. دیگر دوران تولید تمام کالاها از هر کدام به اندازه ناچیز گذشته است.

برای مثال، امروزه شرکت‌های خودروسازی دنیا که ظرفیت تولید سالانه آنها ۳ میلیون دستگاه است، با ادغام در یکدیگر سعی می‌کنند میزان تولید خود را به مرز ۵ میلیون دستگاه در سال برسانند، زیرا تولید ۵ میلیون دستگاه مرزی است که می‌تواند به بقای خود ادامه دهند و رقابت کنند.

■ با اجرای طرح نوسازی صنایع، چه بخش‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؟

□ فقط بخش‌هایی که مزیت رقابتی آنها آشکار شده است و زمینه‌هایی که اطمینان داریم در آنها مزیت وجود دارد.

به نظر من، در صنایع کشاورزی تبدیلی، غذایی، معدنی و ساختمانی، ساخت قطعات مختلف صنعتی (قطعات خودرو، ماشین‌سازی، ساختمانی، ریخته‌گری، آهن‌گری و...)، پتروشیمی و فرآورده‌های پایین‌دستی و پوشاک (بخش نهایی صنعت نساجی، پوشاک و چرم) مزیت دارد، البته مشروط بر سرمایه‌گذاری صحیح.

■ چگونه می‌توان سرمایه‌گذار خارجی را در امر نوسازی صنایع فعال کرد؟

□ سرمایه‌گذار خارجی اوضاع و احوال را مشاهده می‌کند. قوانین کشور، رتبه‌بندی ایران از نظر مخاطره‌پذیری، موقعیت کشور در منطقه و مقرراتی که بر تجارت حاکم است، مدنظر سرمایه‌گذار خارجی است.

با نهایی شدن قانون سرمایه‌گذاری خارجی، می‌توانیم در این زمینه گام برداریم تا وضعیت بهتری نصیب کشور شود. موقعیت ایران از نظر مخاطره‌پذیری اکنون بهتر از گذشته شده است و از نظر رده‌بندی به تدریج به کشورهای که سرمایه‌گذاری در آنها مخاطرات زیادی ندارد، نزدیک می‌شود و در میانه قرار دارد.

در مجموع باید گفت، جلب سرمایه‌گذاری روندی تدریجی دارد و اگر تمامی عوامل و شرایط از نظر قوانین فراهم نشود، نمی‌توان انتظار داشت که سهم زیادی از سرمایه‌گذاری در کشور، سرمایه‌گذاری خارجی باشد، اما سهم سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند با زمینه‌سازی مناسب رشد کند.

